

Investigating the position of teachers in the formation of Islamic education of students

Masoumeh Sadat Hosseini Moghaddam nasrh3464@gmail.com

Abstract:

An important role in educating students is not hidden from anyone. The close relationship between the teacher and the student and the influence that the teacher has on the student play an important role in his mental health. The teacher is a good role model for the student and tries to behave like him. The teacher is not just a teacher, but more importantly, an instructor and an influential role model. A good teacher who nurtures students well with his good behavior and speech does the greatest service to his community, and in contrast to a bad-tempered, misbehaving and deviant teacher who, with his bad behavior, knowledge It leads students to deviation and destruction. Considering the important role of teachers, the main purpose of this study is to investigate the position of teachers in the formation of Islamic education. The role of the teacher in the religious education of knowledge has become more prominent in the present age and the duty of the teacher has become heavier; Because the future of a society and a nation is in the hands of the teacher. If he can not train useful people and in harmony with the goals of society, he will destroy a nation.

Keywords: Teacher status, formation, Islamic education, students

بررسی جایگاه معلم در شکل گیری تربیت اسلامی دانش آموزان

معصومه السادات حسینی مقدم^۱

صص ۷۵-۸۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۹

چکیده

نقش مهم در تربیت دانش آموزان بر هیچ کس پوشیده نیست. ارتباط نزدیک بین معلم و دانش آموز و نفوذی که معلم بر دانش آموز دارد نقش مهمی در سلامت فکری و روانی وی دارد. معلم الگوی خوبی برای دانش آموز است و سعی می کند مانند او رفتار نماید. معلم فقط یک آموزگار نیست بلکه مهم تر از آن، یک مربی و یک الگوی با نفوذ است. یک معلم خوب که با رفتار و گفتار پسندیده اش دانش آموزان را خوب پرورش می دهد، بزرگترین خدمت را نسبت به اجتماع خود انجام می دهد و به عکس یک معلم بد اخلاق و بد رفتار و منحرف که با رفتار بد خود، دانش آموزان را به انحراف و تباهی می کشاند. با توجه به نقش مهم معلم، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی جایگاه معلم در شکل گیری تربیت اسلامی می باشد. نقش معلم در تربیت دینی دانش در عصر کنونی برجسته تر و وظیفه معلم سنگین تر شده است؛ زیرا آینده ی یک جامعه و امت در دست معلم است. اگر او نتواند افراد مفید و هماهنگ با اهداف جامعه تربیت کند، یک ملت را به تباهی می کشاند

کلیدواژه ها: جایگاه معلم، شکل گیری، تربیت اسلامی، دانش آموزان

^۱ کارشناسی ارشد، رشته الهیات معارف اسلامی، گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز.

مقدمه

هر عضو جامعه‌ی اسلامی در هر جا که باشد، وظیفه دارد پاسدار فرهنگ جامعه‌ی خود باشد؛ ولی کسی که بیش از همه در حفظ و توسعه‌ی فرهنگی، رسالت دارد و اساساً این امر، وظیفه‌ی اصلی او محسوب می‌شود، معلم است. علت این نقش و جایگاه در دو چیز است. ۱. اصولاً معلم، روان و روح عده‌ای کودک و نوجوان را در اختیار دارد؛ ۲. معلم، امانت داری است که فکر و روان انسان‌ها، امانت اوست. شرط امانت داری این است که معلم، ارزش‌های فرهنگی را در جان و دل آن‌ها بنشانند و آنان را نسبت به هویت فرهنگی خود، آگاه و حسّاس پرورش دهد. این کار، بالاترین و با شجاعت‌ترین تلاش برای حفظ فرهنگ است، چون فرهنگ در جان انسان‌ها است و آن‌هایی که می‌خواهند بر فرهنگ ملّتی تسلط یابند، جان و روح افراد آن ملّت را به سلطه در می‌آورند؛ لذا معلم، حافظِ جان انسان‌ها است و مؤثرترین نقش را در حفظ فرهنگ و دفاع از ارزش‌های فرهنگی بر عهده دارد. پس این که شخصیت معلم، الگوی دانش‌آموزان است و نیز آن چه که در شخصیت معلم جلوه دارد، در وجود دانش‌آموز نیز جلوه گر می‌شود، به خاطر این دو ویژگی کار بالا است.

معلم مجری و کارگزار اصلی تعلیم و تربیت است و با علم تعلیم و تربیت، می‌خواهد، سیادت فطری انسان را به سیادت اکتسابی تبدیل کند. اوست که خود را به شناخت، مهارت و نگرش مربوط به این رسالت، مجهّز می‌کند و گُل‌های فطرت انسان را شکوفا می‌سازد. طبعاً اساسی‌ترین چیزی که باید برای او مکشوف باشد، جان و روان انسان است. پس چه طور ممکن است معلم، جان را شناسد ولی بتواند پرورش دهنده‌ی خوبی برای فطرت دیگری باشد. بنابراین معلم، هر طوری که به انسان بیندیشد، همان طور به تربیت او همّت خواهد کرد و معرفت او از انسان، نمایان گر چگونگی راه تربیت است.

دیدگاه انسان‌شناسی معلم، در کلیه‌ی امور آموزش و پرورش او تأثیر می‌کند و تصمیم‌گیری‌ها و برخوردهای او را در نظر خودش، موجه جلوه می‌دهد. انسان در نظام فکری اسلام، به اندازه‌ای قدر و منزلت دارد که همه چیز در خدمت اوست و همه‌ی ابعاد زندگی، برای رشد و کمال او سازمان دهی شده است. انسان خداجوست، متفکر است، حقیقت طلب است و... که این شناخت از انسان، در موضع تربیتی معلم تأثیر دارد.

در این صورت، صلاحیت معلم در امر تعلیم و تربیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا عقل و جان زیبا، حاصل کار معلم است. اوست که اگر صلاحیت داشته باشد، می‌تواند شاکله‌ی افراد را طوری بسازد که لباس، چهره، مقام و علم آن‌ها همه، نشانه و نردبان رشد و کمال باشد و اگر صلاحیت نداشته باشد، با شاکله‌ی کاری می‌کند که هرچیزی به آن اضافه می‌شود به زشتی او می‌افزاید و او را از مسیر رشد و کمال بیشتر، دور می‌کند (میرزای، ایزدی و انصاریان، ۱۳۹۴: ۱۱۶-۱۱۵).

مفهوم تربیت و اهداف تربیتی

شناخت مفهوم تربیت اسلامی (دینی) منوط به شناخت معنای و کلمه «تربیت» و «دین» است. واژه تربیت در لغت، به معنای پروراندن یا پرورش دادن یعنی به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه آمده است (رضایی، ۱۳۹۲) و در اصطلاح به معنی: «مجموعه اصول و قواعد بنیادی و احکام و دستوراتی که از سوی خدا به انسان داده شده است» (خالدی، ۱۳۹۵: ۶۱۶).

تربیت عبارت است از فرآیند اثرگذاری و اثرپذیری که میان مربی و متربی به منظور ایجاد صفتی یا تغییر و اصلاح در شخصیت متربی برقرار می‌شود (گروه علوم تربیتی مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸).

امیل دورکیم^۲گوید: تربیت، آن کارکردی است که در طی آن، نسل بالغ رسیده و تربیت یافته، بر نسلی که هنوز برای زندگی به اندازه ی کافی پختگی نیافته است، اثر می گذارد و هدف از آن، برانگیختن و گسترش حالات جسمی، عقلی و اخلاقی متربی است (مهاجر، ۱۳۹۲).

از دیدگاه دین اسلام، «تربیت» عبارت است از: «فراهم آوردن زمینه ها و مجموعه ی روش هایی که، از ابتدای تولّد و حتّی قبل از تولّد، باید به کار بُرد تا استعداد های نهفته در وجود انسان، رشد و شکوفا گردیده و در مسیر تکامل قرار گیرد (فرهادیان، ۱۳۹۰).

تربیت مفهومی است بی پایان و بی کرانه، چرا که تمامی شئون حیات انسانی را در برمی گیرد. زیرا نه در محصوره زمان محدود می شود و نه در محصوره مکان. نه در محدوده ی خانه، می گنجد و نه در محدوده مدرسه، بلکه فراتر از محیط، وسیع تر از عالم و عمیق تر از اعمال و بواسطه سرشت انسانی است. شخصیت ما انسان ها، از همان دوره ی کودکی و خردسالی تکوین می یابد و ابزارها و شیوه های گوناگونی در جهت تربیت از نظر شخصیت پدر و مادر و اطرافیان شیر مادر، لقمه غیره. در علوم تربیتی و به خصوص در رایات و متون دینی وجود دارد و از آنجایی که موضوع دین رفتارهای اختیار و اداری افراد بشر می باشد. بنابراین، راهکارهای تربیتی رفتاری و کنترل رفتار افراد نیز جزء حوزه مباحث دینی به حساب می آید و به عبارتی موضوع دین هدایت و مهار رفتار و اعمال انسان ها در چارچوب دین می باشد و از این رو قلمرو دین هدایت، تربیت و تنظیم رفتار کودکان را نیز در بر می گیرد زیرا که تمام احکام دینی مبتنی بر مصالح و مفاسد است و هر یک از دستورات دین و تکالیف شرعی همانند واجبات و محرمات دارای آثار تربیتی است (خالدی، ۱۳۹۵: ۶۱۶).

هدف نهایی از تربیت انسان، توجه، تشبه و تقرب به حق تعالی است. مقصود از «توجه، معرفت انسان در باره ی مبدأ حقایق جهان است که خود مراتبی دارد و بالاترین مرتبه ی یقین است و مراد از «تشبه»، دوری از زشتیها، اعم از صفات و افعال و اتصاف به خوبیهاست، به گونه ای که انسان خدا گونه و خلیفه ی خدا در روی زمین گردد. مقصود از «تقرب»، نزدیکی مکانی نیست، بلکه تقرب معنوی و ارتقای رتبه ی وجودی است، به گونه ای که فیض دائم بر انسان نازل شود و انسان از اضطراب و نگرانی رهایی یابد و به اطمینان نایل آید و با پاکان و فرشتگان نایل آید و با پاکان و فرشتگان هم نشین شود و به بهشت خداوندی وارد گردد. (ابن مسکویه، ۱۳۸۸)

انسان تنها در پرتو تربیت صحیح است که به عنوان موجودی هدفمند و اندیشه ورز به اهداف و آرمان های خود دست یازیده و قله ی رفیع سعادت مطلوب خویش را فتح می نماید؛ از این رهگذر برای انسان مسلمان تربیت اسلامی ضرورتی مضاعف دارد زیرا انسانی که گردنبد مروارید دانه دین و بندگی خالق متعال را برگردن آویخته جز در پرتو تربیت صحیح اسلامی به مدال افتخار عبودیت و تسلیم نائل نمی آید، از سویی دیگر چنین انسان مسلمانی برای پیمودن راه سعادت و بندگی احتیاج به الگوهای مطمئن عملی دارد تا با نصب العین قراردادن دیدگاه ها و سیره ی عملی آنان، هم راه صحیح بندگی و سعادت را بیپیماید و هم در این وادی سریعتر گام نهد و سریعتر به مقصد نائل آید. با توجه به این نکته که فلسفه و ارزش های حاکم بر جامعه ی ما از دین مبین اسلام نشأت می گیرد، لذا استفاده از متون غنی دینی و اسلامی در این زمینه لازم خواهد بود. و در این میان، ارائه ی دیدگاه ها و سیره ی تربیتی امام علی (ع) که خود «اب الائمّه» و سر سلسله ی جانشینان به حق نبوی و سرآغاز تجلیگاه امامت معصومین علیه السلام و نخستین تشکیل دهنده ی حکومت اسلامی علوی است بر ضرورت این کار می افزاید. مباحث تربیتی نیز یکی از موضوعاتی است که در نهج البلاغه در قالب نامه ها، خطبه ها و حکمت ها، بارها خطاب به کارگزاران و افراد جامعه مورد تاکید قرار گرفته است (بیجنوند، ۱۳۹۴).

در این قسمت، با توجه به مباحثی که در توضیح نظریه کنش ارتباطی هابرماس آوردیم، به استنتاج دلالت های تربیتی اندیشه او ذیل سه عنوان کلی «اهداف تربیتی»، «اصول تربیتی» و «روش های تربیتی» به عنوان یافته های تحقیق پرداخته ایم:

² . Emile Durkheim

اهداف تربیتی:

گفتار آرمانی تربیتی: شایستگی در کنش گفتاری مطلوب در سطح روابط اجتماعی، یا رسیدن به وضعیت آرمانی گفتار، از اهداف عمده نهادهای تربیتی یک جامعه به شمار می‌آید. افراد تربیت یافته باید در سطحی اجتماعی بتوانند با به کارگیری مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر کنش‌های گفتاری، مسایل اجتماعی خود و دیگران را به عنوان شهروندی اجتماعی و انسان جهانی مدیریت و تحلیل کرده و جامعه خود را به سوی چشم‌انداز آرمانی آن نزدیک کنند. نکته قابل توجه اینکه این شایستگی‌ها در وهله نخست بایستی در حوزه تعلیم و تربیت به منصه ظهور برسد. آشنایی و توانایی دانش آموزان در برقراری کنش‌های گفتاری مطلوب در همان دوران تحصیل، مقدمه ضروری این هدف ایی تعلیم و تربیت است. بنابراین، دستیابی به بهترین کنش‌های گفتاری تربیتی، بنوعی می‌تواند یک هدف مقدماتی در رسیدن به کنش گفتاری مطلوب در سطح روابط اجتماعی محسوب گردد.

در این زمینه، برخی مفسرین تربیتی اندیشه‌های هابرماس با استفاده از نظریه ارتباطی او به بررسی چستی و چگونگی کنش گفتاری مطلوب در تعلیم و تربیت پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، یانگ^۳ (۱۹۸۹) با تمایز قایل شدن میان گفتار دستوری و کنش‌های حاصل بیانی (نوع سوم کنش‌های گفتاری) به طرح نظر خود درباره تفاوت تلقین با کنش گفتاری مناسب یک معلم می‌پردازد. به طور خلاصه، ارتباط تربیتی مستلزم فعالیت‌های گفتاری معلم به منظور قابل انتقاد بودن عقایی از سوی یادگیرندگان است. اما هاتونن (۲۰۰۳) با گیج کننده خواندن دیدگاه یانگ، به نقد دیدگاه او می‌پردازد. او ادعا می‌کند که تلقین توسط ساختارهای اجتماعی ایجاد گردیده و در سطحی از برنامه درسی پنهان رخ می‌دهد. بزعم هاتونن، برخی مکانیسم‌های ساختاری می‌توانند به نحوی نظام‌مند به تحریف ارتباط در تعلیم و تربیت پرداخته، و در نتیجه تلقین صورت بگیرد. در صورتی که مهمترین عنصر تعلیم و تربیت یرتلقینی و صحیح، احترام به اشخاص دیگر و اصیل دانستن آنها است.

به نظر می‌رسد که هاتونن تفسیر مناسبتری از یک کنش گفتاری تربیتی مطلوب از دیدگاه هابرماس بدست می‌دهد. از نظر هابرماس، ارتباطی سالم و مطلوب است که طرفین ارتباط در آن، دارای احترام متقابل و شایسته‌ای نسبت به یکدیگر داشته باشند. افراد نباید به دیگران به مثابه وسیله‌ای برای رسیدن به خواسته‌های خود نگاه کرده و آنها را در حد اجسام طبیعی و موجوداتی بیروح تنزل دهند. معلمان در ارتباط آموزشی با دانش آموزان خود نباید آنها را خنثی و بی‌طرف و بی‌نظر تصور کرده و دیدگاه‌های خود را به آنها تحمیل و تلقین کند، بلکه دانش آموزان در یک فرآیند آموزشی باید یادگیرندگانی فعال و خالق بوده و در شکل دادن به معانی و دیدگاه‌های جدید سهیم باشند.

رشد اخلاق گفتمانی: در حوزه تربیت اخلاقی، نظریات و دیدگاه‌های گوناگونی در تاریخ فلسفه تعلیم و تربیت موجود است. اما در دوران معاصر گرایش‌های جدیدی در این خصوص به وجود آمده که بخش قابل توجهی از آنها تحت تأثیر کارهای کولبر بوده است. او عهده‌دار رویکرد خاصی با عنوان «اخلاق مبتنی بر عدالت است. در واکنش به دیدگاه او، فمینیست‌هایی همچون کارل گیلیگان و نل نودینگز «اخلاق مبتنی بر مراقبت را که از نظر آنها یک دیدگاه مدافع حقوق زن است، مطرح کرده‌اند. از دیدگاه دیگری نیز که ریشه در اندیشه‌های مکتب فرانکفورت دارد، با عنوان «اخلاق مبتنی بر نقد اجتماعی» نام برده می‌شود. این دیدگاه به طرح پرسش‌های اخلاقی پیرامون رابطه تعلیم و تربیت با مسایل اجتماعی و سیاسی پرداخته و به نقش مدارس در ترویج سلطه در جامعه نظر دارد و نشان می‌دهد که چگونه دانش به ابزار قدرت و سلطه تبدیل شده است.

همانطور که اشاره شد، نظریه اخلاق گفتمانی هابرماس نیز در ادامه دیدگاه کولبر طرح شده و می‌تواند در تربیت اخلاقی نیز موثر واقع شود. با توجه به دیدگاه او، دانش آموزان بایستی در آینده به افرادی تبدیل شوند که توانایی برقراری یک ارتباط مطلوب را داشته و بتوانند با ارائه استدلال مناسب بگونه‌های توافقی و جمعی به هنجارهایی اخلاقی در میان خود دست یافته و عمل کردن برطبق آن هنجارها را در دستور کار خود قرار

3. Young

دهند. مقصود (۲۰۰۱) معتقد است که یک تعلیم و تربیت ارزشمند مبتنی بر اخلاق گفتمانی هابرماس، دانش آموزان را در شناخت و کشف روشه‌های استدلال خصوصاً سه طوح انتزاعی که نسبت مستقیم‌تری با اعمال اخلاقی دارند، پرورش می‌دهد.

با توجه به این دیدگاه، اولیاء تربیتی حق انتخاب هنجارهای اخلاقی برای دانش آموزان را ندارند. مدیران، معلمان و مربیان نمی‌توانند برای دانش آموزان تعیین تکلیف اخلاقی کنند. آنها نباید به دانش آموزان بگویند این کار شایسته است یا شایسته نیست. معلمان موظفند به گونه‌ای مناسب و منطبق با بهترین شیوه استدلال، نحوه برقراری ارتباط مطلوب، احترام متقابل اجتماعی، و شیوه‌های استدلال منطقی را به دانش آموزان آموزش داده و آنها را در چگونگی رسیدن به توافق و اجماع راهنمایی کنند.

اصول تربیتی: بین الازدهانی بودن معرفت: چنانکه در توضیح اندیشه‌های هابرماس اشاره داشتیم، او با چرخش زبانی خود از رویکرد سنتی سوژه محور در معرفت‌شناسی، به رویکردی بین الازدهانی از معرفت روی آورده و صورت‌بندی جدیدی از دانش و حقیقت ارائه می‌دهد. در این رویکرد، نظریه واحدی از حقیقت و حقانیت وجود ندارد، بلکه اعتقاد به نوعی تکثرگرایی معرفتی گریزناپذیر می‌نماید. هرکس بهره و درکی از حقیقت متناسب با ذهن ناقص خود داشته که بایستی با درمیان نهادن آن با افراد دیگر به آزمون آن پردازد. حقیقت فقط در توافقی بین الازدهانی بدست خواهد آمد. بنابراین، روش دستیابی به حقیقت به اندازه خود حقیقت ارزشمند می‌گردد. یعنی عدالت و آزادی، به عنوان زمینه‌های مورد نیاز دستیابی به حقیقت، نیز به همان اندازه حقیقت ارزشمند خواهند بود. بر این اساس، یکی از دلالت‌های تربیتی این اندیشه هابرماس که به عنوان یک اصل تربیتی مورد نظر خواهد بود، توجه به همین نکته است. معرفت در رابطه‌ای یکسویه با جهان یا موجوداتی عینی شده تحقق نخواهد یافت، بلکه برای رسیدن به معرفت نیازمند برقراری رابطه‌ای دوسویه میان اذهان مختلف هستیم. به عبارت دیگر، فضای تعلیم و تربیت، بیشتر بینابین اذهان قرار دارد تا بین ذهن و جان (گودرزی، اسماعیلی و عباسی، ۱۳۹۶).

نظام تربیت اسلامی دانش آموزان در مدارس

سیاست‌گذاران نظام جمهوری اسلامی ایران، برای نیل به تربیت دینی (اسلامی) نسل کودک، نوجوان و جوان، از سه ابزار عمده‌ی زیر مدد جسته اند:

- تبلیغ و ترویج ارزش ها، از طریق آموزش و پرورش تصادفی؛
- تقویت فعالیت‌ها و آموزش‌های نسبتاً غیر رسمی، از طریق مراجع غیر رسمی؛
- نظام آموزش و پرورش رسمی؛

پُر واضح است که سیاست‌گذاران نظام، بیش از هر چیز به تحقق اهداف تربیت دینی از طریق نظام آموزش و پرورش رسمی و به ویژه تدریس دروس دینی و قرآن و فعالیت‌های پرورشی امیدوار بوده اند. نظام یافتگی دروس دینی و قرآن و اختصاص ساعاتی از هفته در برنامه ی درسی دانش آموزان، حمایت‌های مالی و میزان پوشش نزدیک به صددرصدی مخاطبان پیام‌ها (کودکان و نوجوانان و جوانان) و نیز حضور اجباری مخاطبان در مدارس و کلاس‌ها و ... شواهدی است که نظام رسمی آموزش و پرورش را دارای قدرت نفوذ و تأثیر پذیری بسیار بیشتر، نسبت به ابزارهای غیررسمی می‌کند (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۰-۱۰۹).

اهمیت معلم در اسلام

معلم در فرهنگ معین، تعلیم دهنده و آموزنده، معنی شده است و در فرهنگ عمید، تعلیم دهنده، آموزاننده و آموزگار و در لغت نامه دهخدا نیز آموزنده، آموزاننده، تعلیم دهنده، آموزگار و شیخ معنی شده است. امروزه در نظامهای آموزشی و پرورشی جهانی معلم به معنی خاص به کسی اطلاق می شود که واجد ویژگی ها و صالحیت های مشخص بوده و حرفه و شغل او تعلیم است (اسدی گرمارودی، ۱۳۹۲).

اهمیت معلم در اسلام، بیانگر نقش و کاربرد او در جامعه است. اگر نقش معلم حیاتی نبود اسلام تا این حد به او بها نمی داد. در اسلام معلم از چنان ارزش و جایگاهی برخوردار است که خداند در نخستین آیات نازل شده بر پیامبر (ص)، خودش را معلم معرفی می کند: «بخوان به نام پروردگارت که جهانیان را آفرید. انسان را از خون بسته سرشت، بخوان و پروردگارت کریم ترین است، همان که آموخت با قلم، آموخت به انسان آنچه را که نمی دانست (علق ۵/۱-۵). پیامبر (ص) در روایتی فرموده اند: «همانا خدا و فرشتگان، حتی مورچه در لانه اش و ماهیان در دریا بر کسی که نیکی ها را به مردم می آموزد، درود می فرستند. در روایتی دیگر فرموده اند: «خداوند به حضرت موسی وحی نمود: ای موسی نیکی را بیاموز و آن را به دیگران یاد بده، زیرا من قبر معلمان و متعلمان نیکی را نورانی می کنم تا احساس ترس نکنند» نیز از ایشان می خوانیم: «آیا می خواهید بهترین ها را به شما معرفی کنم؟ خدا بهترین بهترین هاست و من بهترین فرزندان آدم و بهترین شما بعد از من کسی است که علم را بیاموزد و سپس آن را نشر دهد. هم چنین فرمودند: «علما وارث پیامبران دینار و درهمی به ارث نگذاشتند، ولی ارث آنها علم بود و هر که از آن برگرفت، بهره فراوانی برده است (خالدی، ۱۳۹۵: ۶۱۷).

معلمان باید قادر به ایجاد انعکاس در خود و در جامعه خود باشند و از بکارگیری تحلیل انتقادی در ایجاد پرسش های بنیادی درباره تقسیم نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زندگی خود و زندگی دانش آموزان خود آن چنان که آنها بتوانند همه برای مشارکت (و تغییر) در جهان بزرگ آماده باشند آنها باید در تحلیل انتقادی ایدئولوژی ها، ارزشی ها و تمایلاتی که نقش آنها را آگاه می سازند توانا باشند آن چنان که معلمان و سیاست های فرهنگی را در کالس ترویج نمایند. توانایی در تحلیل روابط خود با جامعه بزرگ در نظم برای درک انتقادی از خود به عنوان توانمندی نماینده های اجتماعی تأیید که آنها می توانند همدست با اشکال افسردگی و رنج انسان باشد. توانا در تحلیل عمیق نیروهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که در بی عدالتی و نابرابری در جامعه خود مشارکت کنند؛ و آماده تخیل جامعه بهتر آینده و عمل در بوجود آوردنشان (اسکایرو، ۱۳۹۲).

اهمیت تربیت در اسلام

اسلام رهبانیت و فرار از اجتماع را محکوم کرده و به زندگی در اجتماع اهتمام فراوان داشته است و اصولاً اجتماع مسلمانان را همانند تن واحدی قلمداد کرده هرگاه عضوی به درد آید سایر اعضا به کمک و یاری آن عضو می شتابند، عبادات اجتماعی را ارزش فراوان تری قائل شده است. از پیامبر روایت شده است که « آنان که در فکر مسلمانان دیگر نباشند اصولاً مسلمان واقعی نیستند».

از جمله وظایف آموزش و پرورش، تربیت اجتماعی متربیان می باشد و مربیان نیز باید به تربیت دانش آموزان اهمیت دهند و آن را از جمله وظایف خطیر خود شمارند تا از این طریق فرد و اجتماع با وحدت و هماهنگی خاصی در راه تحقق بخشیدن به اهداف الهی گام بردارند و در این مسیر نیز بین اهداف فرد و اجتماع اختلافی پدید نیاید و از آن جا که فرد در جریان برخورد با اجتماع از آن اثر می پذیرد، اسلام بسیاری از اعمال و قوانین دینی را به صورتی دسته جمعی ارائه می نماید و اموری مانند نماز جماعت، حج و جهاد، خود نشان دهنده اهمیت اجتماع در تربیت می باشد و از طرفی لزوم تربیت اسلامی و دینی انسان را روشن می نماید (سلجوقی، ۱۳۹۲: ۷۵).

صلاحیت معلمان

صلاحیت در لغت، معمولاً به عنوان مناسب برای مقصود، درخور و سزاوار، کفایت کننده و یا به معنای درست کیفیت یافته، قابل پذیرش و یا به معنای توانا و در حالتی نیز به آمادگی کافی برای وارد شدن به حرفه ای خاص برمی گردد و ارتباط مستقیمی با داشتن گواهی یا تأییدیه ی خاص در آن حرفه دارد. در هر کاری به کسی که قابلیت و توانایی لازم برای انجام آن کار را داشته باشد، با صلاحیت گفته می شود (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۷).

یکی از صلاحیت های حرفه ای معلمان داشتن صلاحیت های عمومی است که مهمترین آنها رابطه معلم و شاگردی است. باید بر رابطه معلم و شاگردی بیش از پیش تأکید کرد و امید داشت این رابطه، تحولات مهمی را در پی داشته باشد. شاگردان، عموماً در نتیجه تماس با معلم از نظر فکری متحول می شوند. این تحول مهم است زیرا هیچ کس نمی تواند بدون تفکر، زندگی خوبی داشته باشد. تعلیم و تربیت باید به گونه ای باشد که در آن شاگرد و معلم به رغم تفاوت در نوع و میزان دانش، در شرایط یکسانی از مناسبات انسانی باشند و هر کس در این ارتباط هم یاد دهنده و هم یادگیرنده باشد. چنین ارتباطی، به جای رقابت، بر همکاری که تجارب یادگیری مثبت تری را برای دانش آموزان در بردارد تأکید می کند. بهبود رابطه دانش آموزان با یکدیگر و نیز رشد دائمی «عزت نفس» در ایشان، از نکات مورد توجه این معلمان است (شرکایی و همکاران، ۱۳۹۲).

صلاحیت های معلمی را در سه حیطه می توان طبقه بندی نمود:

۱. صلاحیت های شناختی:

منظور از صلاحیت شناختی، مجموعه ی آگاهی ها و مهارت های ذهنی است که معلم را در شناخت و تحلیل مسائل و موضوعات مرتبط با تعلیم و تربیت، توانا می سازد.

۲. صلاحیت های عاطفی:

منظور از صلاحیت های عاطفی، مجموعه ی گرایش ها و علائق معلم نسبت به مسائل و موضوعات مرتبط با تعلیم و تربیت است.

۳. صلاحیت های مهارتی:

آن بخش از صلاحیت ها است که به مهارت ها و توانایی های علمی معلم، در فرایند یادگیری مرتبط می شود (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۸).

نقش معلم در یک نظام آموزشی موفق

۱. توانایی لازم برای یادگیری مادام العمر؛

۲. توانایی و دانش لازم در انتخاب شیوه ی برخورد با مسائلی که حل آنها نیاز به تفکر و گذشت زمان دارد؛

۳. تمایل و مهارت کار در گروه های اجتماعی؛

۴. توانایی برقراری ارتباط مناسب در شرایط متناسب؛

۵. ارج گذاری به ارزش های والای اجتماعی، انسانی - فرهنگی؛

۶. توانایی حل مسائلی که به خالقیت و ذکاوت احتیاج دارد (بازدار، شیخی، رضائی ارده جانی، سامه آیلار، ۱۳۹۴).

عوامل مؤثر در تربیت اسلامی

۱. نقش معلم در شناسایی معارف دین:

معلم به جهت اینکه مستعدترین افراد به لحاظ ذهنی و پاکترین آنها به لحاظ قلبی و روحی و عاطفی، یعنی کودکان دوره‌های ابتدایی، نوجوانان و جوانان دوره‌های متوسطه را در اختیار دارد؛ و همچنین به دلیل اینکه بیشترین وقت بچه‌ها را در اختیار دارد و مهمتر از همه عهده‌دار آموزش و تعلیم آنان است؛ می‌تواند نقش بسیار ممتازی در تربیت دینی آنها ایفا نماید. او می‌تواند از فرصت‌های متعددی که در حین درس دادن برایش فراهم می‌شود، استفاده کرده عقاید اسلامی را درست تبیین و باورهای نادرست و خرافاتی را که در اذهان بچه‌ها از طریق خانواده، یا محیط بیرون نقش بسته، از اعتقادات اسلامی جدا کند.

۲. نقش معلم در ایمان آفرینی:

بعد از اینکه معلم موفق شد به دانش آموزان شناخت درستی نسبت به معارف دینی بدهد، نوبت تبدیل این شناخت‌های ذهنی به باورهای قلبی فرا میرسد. در این مرحله معلم باید با شناسایی دقیق موانع ایمان از یک طرف و درک روحیه دانش آموزان از سوی دیگر، تدبیرهایی را برای از میان برداشتن آن موانع بیندیشد و زیرکانه و ماهرانه آنها را اجرایی نماید. این قسمت از کار بسیار مشکل است و معلمان می‌توانند از روش پیامبران و امامان برای موفقیت نسبی در این وظیفه‌ی سنگین و خطیر، و همچنین برای درک بهتر روحیات دانش آموزان از دستاوردهای روانشناسان، کمک بگیرند. به طور مشخص اقدامات زیر می‌توانند برای ایمان آفرینی خیلی مؤثر باشند:

- تقویت روحیه‌ی حق‌گرایی (بیدار کردن فطرت الهی)؛

- تقویت قدرت تفکر و تشخیص حق از باطل؛

- مقبولیت و اعتبار معلم

۳. محبوبیت معلم:

یافته‌های روانشناسان نشان می‌دهد که: «هرچه مخاطبان نگاه مثبت‌تری به گوینده داشته باشند، ارتباط را مثبت‌تر ارزیابی می‌کنند و احتمال بیشتری دارد که نگرش خود را مطابق نظر گوینده تغییر دهند». روانشناسان در تبیین رابطه‌ی میان محبوبیت و تأثیرگذاری می‌گویند: «از آنجا که انسان‌ها تلاش می‌کنند شناخت‌هایشان با احساساتشان هماهنگ باشد، نگرش خود را به احتمال زیاد برحسب نگرش‌های کسانی که دوست دارند، تغییر می‌دهند». معلم می‌تواند با دینداری، گشاده‌رویی و خوش‌رویی، خلق نیکو، تواضع و احترام به دانش آموزان، زهد و بیرغبتی به دنیا و آراستگی و زیبایی ظاهری محبوبیت خود را نزد دانش آموزان افزایش دهد. معلم نباید هیچ وقت دانش‌آموز را مورد تحقیر و توهین قرار دهد، زیرا هر انسانی تمایل ذاتی به کسب احترام و ارزش و قبول از طرف دیگران دارد. تحقیر کودک از سوی معلم ممکن است کودک را فراری بدهد و نفرتی در دل او نسبت به معلم ایجاد کند به گونه‌ای که گفتار و کردار معلم برای او قابل قبول نباشد. خداوند به پیامبر دستور به سبب رحمت خداست که تو با آنها اینچنین خوشخوی و می‌دهد که با مردم مهربانانه برخورد کن تا از تو فراری نشوند مهربان هستی. اگر تندخو و سخت دل می‌بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند. پس بر آنها ببخشای و برایشان آموزش بخواه و در کارها با ایشان مشورت کن و چون قصد کاری کنی بر خدای توکل کن، که خدا توکل کنندگان را دوست دارد (آل عمران، ۱۵۹).

معلم باید حتی الامکان از تنبیه و برخورد تند و خشونت‌آمیز با دانش‌آموز اجتناب ورزد، زیرا روانشناسی جدید بر این عقیده است که نوجوان در رشد و تکامل اجتماعی خود، از چگونگی ارتباط و علاقه‌اش نسبت به معلمان و میزان نفرت یا محبت خود به آنها متأثر می‌شود. این ارتباط‌ها به اشکال و رنگ‌های گوناگون در می‌آیند که اساس‌شان به شخصیت معلم، میزان ایمانش به شغل خود، مقدار فهمش نسبت به مرحله نوجوانی و طرق رعایت و حل مشکلات آن بستگی دارد. چنانکه معلم مسلطی که با امر و نهی، تهدید و تعقیب و آزار و شکنجه بر کلاس حکم میکند دانش‌آموزان را از خود دور می‌کند، میان خود و آنها جدایی می‌اندازد و در نتیجه، به هیچ وجه مورد محبت آنان واقع نمی‌شود. بر عکس، معلم دادگستری که همواره با دانش‌آموزان خود همکار و دوست صمیمی است و هنگام استمداد از او، هرگز به سرزنش آنان نمی‌پردازد، محبت و اعتماد آنها را به خود جلب می‌کند.

محبوبیت معلم دو کارکرد مهم دارد: نخست آنکه به معلم امکان می‌دهد در لایه‌های درونی شخصیت دانش‌آموزان نفوذ کند، و دوم آنکه تأثیرگذاری تربیتی معلم را آسان می‌نماید. تحقیقاتی که در مورد میزان علاقه‌ی دانش‌آموزان به درس دینی انجام شده نشان می‌دهد که میزان علاقه‌ی دانش‌آموزان به دبیر دینی رابطه‌ی مستقیم و مثبتی با میزان علاقه آنان به این درس دارد.

۴. انتخاب شیوه‌ی مناسب در بیان آموزه‌های دینی

معلم باید سعی کند آموزه‌های دینی را ساده، رسا و جذاب برای دانش‌آموزان بیان کند به گونه‌ای که اولاً آنها بفهمند که معلم چه می‌گوید و ثانیاً از شنیدن آن احساس خستگی نکنند. اگر معلم مثلاً در خداشناسی تنها به بیان دلایل فلسفی اثبات وجود خدا و صفاتی مانند توحید و قدرت خدا بپردازد، یقیناً خسته کننده خواهد بود و دانش‌آموزان شاید برای گرفتن نمره، این دلایل را در حافظه‌ی ذهنشان بسپارند ولی این سپرده‌ها هیچ وقت تبدیل به ایمان و اعتقاد قلبی نمی‌شود، چون از روی میل و رغبت و شوق کسب نشده‌اند. معلم باید استدلال‌های فلسفی را در قالب مثال‌های ساده و همه کس فهم طوری بیان کند که متعلم همانجا نه تنها کاملاً تفهیم شود، بلکه پایه‌های اعتقادی‌اش نسبت به آن موضوع نیز شکل بگیرد. همچنین معلم باید از مطرح کردن مباحث پیچیده و دور از فهم دانش‌آموز اجتناب ورزد. در این مورد نیز مطالعه سیره‌ی انبیاء و معصومان می‌تواند برای معلمان راهگشا باشد.

۵. پاسخ مناسب به پرسش‌ها و شبهه‌ها:

گاهی برای دانش‌آموزان پرسش‌ها و شبهه‌هایی مطرح می‌شوند و یا کسانی دیگر در ذهن آنان شبهه ایجاد می‌کنند، معلم باید اولاً این فضا را ایجاد کند که دانش‌آموزان به راحتی بتوانند سؤالاتشان را مطرح کنند و ثانیاً پاسخ مناسب بدهد. پاسخ مناسب از دو حال خارج نیست: یا معلم جواب آن پرسش را می‌داند، در این صورت باید با متانت و بردباری پاسخ دهد؛ یا نمی‌داند که در این صورت باید این شهامت را داشته باشد که صراحتاً بگوید نمیدانم و سعی می‌کنم با مطالعه یا پرسیدن از دیگران بیابم و برای شما بیان کنم (نقدی آستمال، ۱۳۹۶).

تربیت دینی، بخشی از تربیت به معنای کلی آن است که با توجه به تعاریف متفاوت آن، مرحله ای از رشد را شامل می شود و برنامه هایی را در جهت تسهیل رشد دینی تعبیه می کند. تربیت دینی یعنی فعالیت های منظم و منطقی جهت تربیت ابعاد وجودی انسان در قالب دین به گونه ای که متربی به اصول عقاید، اخلاق و احکام شناخت و ایمان پیدا کند و این شناخت منجر به عمل پایدار در او شود. در این صورت به هدف تربیت دینی یعنی عبادت و بندگی خداوند خواهد رسید. انسان دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری می باشد. برای تربیت صحیح لازم است به این ابعاد توجه شود تا امر تربیت آسانتر و نتیجه، قطعی تر باشد.

با توجه به تحقیقات صورت گرفته نقش معلم در تربیت دینی دانش در عصر کنونی برجسته تر و وظیفه معلم سنگین تر شده است؛ زیرا آینده ی یک جامعه و امت در دست معلم است. اگر او نتواند افراد مفید و هماهنگ با اهداف جامعه تربیت کند، یک ملت را به تباهی می کشاند. به همین دلیل است که امام باقر (ع) معلم را هر کس بایی از هدایت تعلیم دهد مانند ثواب کسانی که بدان عمل کنند، اجر دارد و از: «شریک در پاداش کار متعلم می داند ثواب آنها هم چیزی کاسته نشود و هر که یک باب از گمراهی تعلیم دهد، مانند کسانی که بدان عمل کنند ببرد و از گناه آنها هم کاسته نشود».

در این راستا پیشنهاد می شود برنامه های تربیت اسلامی تقویت شده و بودجه و امکانات بیشتری برای تقویت آن در نظر گرفته شود؛ دوره های کاربردی در مورد تعلیم و تربیت اسلامی برای مدیران ایجاد شود و همچنین مدیران و کارمندان مؤفق در زمینه ی تربیت اسلامی با پاداش های معنوی و مادی تقویت شوند و نیز کتاب هایی در مورد تعلیم و تربیت اسلامی باید به وسیله ی کارگروهی در آموزش و پرورش تجزیه، تحلیل، تفسیر و عملیاتی شود و برای سنجش مؤفقیّت در آن ها، ابزارهای عملی پیشنهاد شود.

همچنین همکاری و همیاری بیشتر گروه های شغلی در تربیت اسلامی پیشنهاد می شود. برای این منظور می توان در مدارس کمیته هایی برای تقویت تعلیم و تربیت اسلامی تشکیل داد که اعضاء آن، نظرات خود را به یکدیگر نزدیک تر نمایند و از تجارب همدیگر بهره گیری نمایند و نیز جلسات شورای مدرسه و شورای آموزگاران می تواند حداقل چند مورد در سال، به این منظور اختصاص یابد.

References

- Ibn Muskawiyah, A. (2010). Al-Fawz al-Asg, correction and suspension: Majid Dastiyari. (First Edition) Qom: Ayatollah Ishraq.
- Asadi Garmaroodi, Asadullah; Sharifzadeh, Ali, under the supervision of Hamid Reza Haji Babaei. (2015). Farhangian University, the pinnacle of the fundamental transformation of education (establishment realism), first edition, Tehran, Borhan Cultural Institute (Madrassa Publications).
- Skyro, Michelle Stephen. (2013). Curriculum theory of conflicting views and ongoing issues.
- Ardeh Jani, Mustafa, Sameh Aylar, Sayad, (2014). The role of teachers in the cultural and social education of students, the first international conference on behavioral sciences and social studies.
- Bijnvand, F. (2014). Analysis of the content of Nahj al-Balaghah based on the six educational areas of the document of fundamental change in education.
- Khaledi, Mohsen, (2016), A Study of the Role of Teachers in Religious and Moral Education of Students Case Study: High School Students in Marivan, 9th Congress of Pioneers of Progress, Tehran, <https://civilica.com/doc/536662>
- Ardakani, Javad; Riahi Nejad, Hossein; Razzaqi, Hadi. (2013). Collection of approvals of the Higher Education Council (curriculum guide), Tehran, Borhan School Cultural Institute Publication (Madrassa Publications).
- Department of Educational Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute, (2009), Collection of Educational Articles, First Edition, Qom, Imam Khomeini Institute.
- Goodarzi, Mohammad Ali and Ismaili, Zohreh and Abbasi, Assadollah. (2018). The role of new communication technologies on social education of high school students in Firoozabad, Fars, Master Thesis, Payame Noor University, South Tehran.
- Farhadian, Reza, responsible parents and educators, (2011), fourth edition, Qom, Bustan Ketab Publications.
- Mohajer, (2014). The concept of the word education and the view of thinkers on this science.
- Mirzaei, Mehdi Mohammad (2014). A Study of Barriers to Islamic Education in Primary Schools in District 3 of Qom Province Academic Year 2015-2015, Master Thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch.